

شهر

مبعث خاتم النبیین
حضرت محمد مصطفی
صلی الله علیه وآله وسلم
بر عموم مسلمانان مبارک باد

چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲ | ۱۶ صفحه | ۱۰ هزار تومان | دوره سوم | سال دوم | شماره ۴۴۳

www.mihanonline.ir



نابغه حوزه، مهجه امام
بازخوانی کارنامه مبارزاتی سیدمصطفی خمینی
و همراهی اش با پدر



با ترامپ هم می شد توافق کرد
بررسی اظهارات اخیر رئیس جمهور سابق آمریکا علیه ایران
در گفت و گو با مهدی ذاکریان



جنوب جهانی را از یاد نبرید
مقاله‌ای از کاترین اشتون
مسئول اسبق سیاست خارجی اتحادیه اروپا



قافله سالار

نگاهی به فرهیختگی اخلاقی در چشم انداز پیامبر اسلام (ص)

نگاه هم میهن

مخاطبان پیام محمد از سکون تا پویایی



احمد زیدآبادی
نویسنده و مشاور هم میهن

پیامبر اسلام در گوشه‌ای از بیابان حجاز و خارج از قلمرو دو تمدن آن روزگار یعنی امپراطوری ایران و روم شرقی مبعوث شد و از همین رو، پیامش به دلیل تفاوت با آیین‌های رایج، نازکی خیره‌کننده‌ای برای مخاطبانش برداشت‌های بسیار متنوع و بعضاً متضادی از پیام محمد(ص) شده است، اما فهم هر پیام یا متنی عمدتاً به پیش فرض‌های ذهنی خود آگاه یا ناخودآگاه افراد از کسب معرفت درست و دقیق پیوند خورده است. آنها که نظام هستی و جایگاه و حقوق انسان در آن را امری ایستا و ساکن می‌پندارند، معمولاً در فهم درست متن و پیام‌های دینی به ورطه افراط یا تفریط می‌غلطند و توانایی ارتباط‌گیری صحیح با آن متن را پیدا نمی‌کنند. افرادی با این نگرش، اگر ایمان آورند، ایمان و رفتارشان از جنس تحجر و تعصب و خشکی و خامی و سخت‌گیری است و به اسم ایمان، زندگی را بر خود و دیگران سیاه و تلخ و تیره می‌کنند. قشر دیگری از این افراد که از در انکار وارد می‌شوند، اما انکار آنان نیز به همان اندازه متحجرانه و متعصبانه و سخت‌گیرانه و خشک‌اندیشانه و خام‌طبعانه است و نهایتاً به اسم بی‌ایمانی، سستی‌نگاری را در مقام عقل می‌نشانند و با نبردهای در برابر هر نوع اعتقاد و ایمانی، راه‌نسابل و تماشاج در جامعه خود را سد می‌کنند.

نگاه هم میهن

بعثت و انقلاب



محمد جواد روح

چرخش تقویم‌های هجری شمسی و قمری، امسال چنان بوده که میان بعثت پیامبر اسلام با سالگرد انقلاب اسلامی تقارن افتاده است. فردا (۱۹ بهمن ماه) عید مبعث است و یکشنبه، ۲۲ بهمن، این تقارن زمانی، بهانه‌ای به دست می‌دهد برای نوعی تحلیل مبتنی بر تقارن سیاسی، بعثت و انقلاب از نظر مفهومی و لغوی، واژگانی نزدیک به هم هستند. در لغتنامه دهخدا، ذیل واژه بعثت، این تعابیر و معانی آمده است: «بعثه: رسالت، فرستادگی و ارسال. (ناظم‌الاطباء). بعث (فرهنگ نظام). بعث کردن؛ برانگیختن، واداشتن». درباره واژه انقلاب نیز با این عبارات مواجه می‌شویم: «برگشتن. (منتهی الارب) (ناظم‌الاطباء) (از اقرب الموارد). بازگردیدن. (ترجمان القرآن جرجانی). برگردیدن و واژگون شدن و برگشتن از کاری و حالی. (غیبات اللغات) (آنتدراج). واگردیدن. (تاج المصادر بیهقی) (مصادر روزنی) (مجم‌اللغة). تحول. بازگردانیدن. (مجم‌اللغة). برگشتن از کاری. (مؤید الفضلاء). برگشتن. تقلب. انعکاس». گرچه برای این دو واژه، معانی متفاوتی ذکر شده است؛ اما در مفهوم و تعبیری جامعه‌شناختی، می‌توان میان آنان قرابت یافت.

گزارش اقتصاد ۱۰-۱۱

رمزگشایی

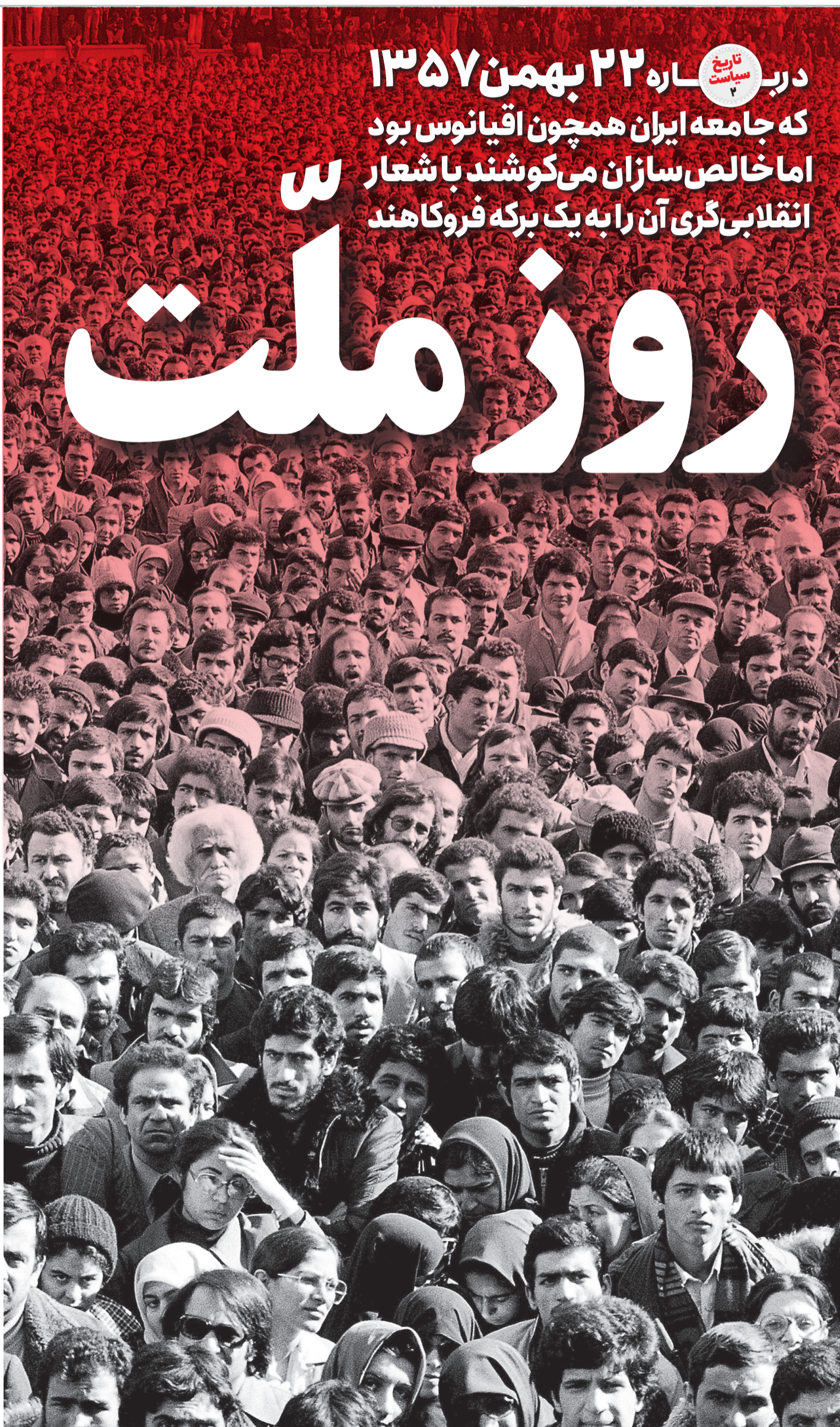
از مزاد ذخایر ارزی

چرا با وجود اینکه بانک مرکزی بر عرضه بیش از تقاضا تاکید دارد در بازار صف خرید شکل می‌گیرد؟

سرمقاله

سیاسی یا اقتصادی؟

وزیر محترم اقتصاد در آخرین تحلیل خود و به نقل از مقامات بانک مرکزی اعلام داشته است که افزایش قیمت ارز در روزهای گذشته، علت اقتصادی ندارد. این گزاره از یک جهت می‌تواند درست باشد و از یک جهت دیگر نادرست. در هر دو صورت چه درست یا نادرست باشد، هیچ رفع مسئولیتی از مقامات و دولت نمی‌کند و مسئله مردم نیز این نیست که علت آن چیست؟ چرا درست است؟ به این دلیل روشن که افزایش قیمت پس از تنش‌های سیاسی اخیر رخ داده است. هر تنش سیاسی خارجی برای کشوری چون ایران که ظرفیت‌های محدود ارزی دارد، می‌تواند به تغییر قیمت‌های ارزی منجر شود. ولی این اثرات به صفت سیاسی بودن ناپایدار است و به محض بازگشت به وضعیت سابق، قیمت ارز نیز کاهش خواهد یافت. در واقع در بلندمدت عوامل اقتصادی تعیین‌کننده قیمت ارز هستند. پس چرا آن گزاره آقای وزیر درست نیست؟ به این علت که عوامل سیاسی بعضاً در نقش واردکننده شوک عمل می‌کنند و اثر عوامل اقتصادی را فعلیت می‌بخشند. برای نمونه حدود ۱۰ ماه بود که قیمت ارز تقریباً ثابت بود ولی در این فاصله زمانی حدود ۲۵ درصد تورم داشتیم. پس منطقی بود که اگر نه به همین اندازه، ولی حداقل ۱۰ تا ۱۵ درصد نیز به قیمت ارز افزود می‌شد چون در این فاصله سود کالاهای صادراتی و مقدار صادرات آنها کم می‌شد. چون قیمت ارز ثابت بود، ولی هزینه داخلی آنها افزایش می‌یافت. پس درآمد‌های ارزی نیز کم می‌شود. در نتیجه چاره‌ای نیست جز اینکه قیمت ارز افزایش می‌یافت. ولی در این مدت از طریق تزریق ارز از سوی بانک مرکزی و سیاست‌های آن این راه بسته می‌شد و قیمت ارز ثابت بود. تا اینکه یک شوک سیاسی وارد می‌شود و فنر قیمت ارز باز می‌شود و طی مدت کمی ۲۰ درصد افزایش پیدا کرد. اینجاست که ظاهراً عامل سیاسی اثرگذار است ولی ریشه آن اقتصادی است و لذا هنگامی که اثرات عامل سیاسی کمرنگ می‌شود، فقط ۵ درصد از قیمت افزایش یافته برمی‌گردد و بقیه افزایش قیمت که ناشی از تورم و نقدینگی است باقی می‌ماند تا نوبت بعدی. فارغ از اینکه کدام عامل سیاسی یا اقتصادی درست باشد، رفع مسئولیتی از دولت نمی‌کند و مسئله مردم هم نیست. افزایش قیمت چه به علت سیاسی باشد و چه به علت اقتصادی یا هر علت دیگری، مسئولیت آن بر عهده دولت‌هاست. در واقع دولت‌ها به همان میزان که در برابر عوامل کلان اقتصادی و مهار آنها مسئولیت دارند، به همان میزان نیز در برابر متغیرها و عوامل سیاسی مسئولیت دارند. البته ممکن است در موارد محدودی عرفاً هیچ مسئولیتی متوجه دولت یا حکومت نباشد، ولی در اغلب موارد این مسئولیت‌ها آشکار است. اتفاقاً در این مورد اخیر این مسئولیت روشن است و در آینده هم کمابیش با اثرات عوامل اقتصادی مواجه خواهیم شد که دولت و حکومت باید برای آن چاره‌ای بیاندیشند. از سوی دیگر چه سیاسی باشد چه اقتصادی؛ مسئله مردم نیست؛ همچنان که بهبود شرایط ارزی هم می‌تواند ریشه‌های سیاسی داشته باشد که نشان آن را دولت‌ها می‌خورند. مسئله مردم کوچک شدن سفره آنان است. در سالی که دولت مدعی رشد حدود ۵ درصدی است ولی در عمل سهم مردم از این رشد اقتصادی صفر، بلکه منفی هم شده است. پس باید برای این مسئله فکری کنند؛ اقتصادی یا سیاسی بودن علت افزایش نرخ ارز برای مردم فرقی ندارد.



در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

که جامعه ایران همچون اقیانوس بود
اما خالص سازان می‌کوشند با شعار
انقلابی‌گری آن را به یک برکه فروکاهند

روزملت